

ایران از نظر جغرافیای تاریخی



از: محمود رجاء

اخیراً ضمن ارقام جالبی که در سالنامه کمربك منتشر شده - باین نکته اشاره شده است که هر سال در حدود صد و پنجاه هزار مسافر خارجی بایران میآیند. در میان این مسافرین که از ملوت های مختلف هستند، گروهی جهانگرد و باستان شناس و خاورشناس وجود دارند که برای مشاهده آثار تاریخی ایران، از موهب عزیز مادیدن میکنند.

این موضوع ما را بپاد دانشمندان و باستان شناسان و شخصیت های علمی و مسافرینی میاندازد که طی ۲۵ قرن بایران آمدند، و ضمن بازدید از کشوری که قرن ها مهد تمدن و فرهنگ دنیا بوده، بسا تحقیقات و اکتشافات علمی خود، پسرده از اسرار تاریخی بسیاری برداشتند، و جهانیان را از رازهای فراوانی که ده ها قرن پیش، دست روزگار و حوادث کیتی آنها را در سینه خاک پنهان کرده بود آگاه ساختند.

در میان این دانشمندان و مورخان بزرگ ذهن ما بیش از هر کس با نام «هرودوت» آشنائی دارد. مورخی که هر کودك دبستانی نام او را شنیده و از اقوال و روایات تاریخی او کم و بیش اطلاعاتی دارد. هرودوت در سال ۴۸۴ قبل از میلاد مسیح در «هالیکارن» یکی از مستعمرات

یونانی در آسیای صغیر به دنیا آمد و چون این شهر در آن هنگام جزو مستملکات ایران بوده از این رووی تبعاً ایران محسوب میشده است. هرودوت ۵۹ سال زندگی کرده و قسمتی از سالیان عمر خود را بساحت در کشورهای شرق و مطالعه در باره تاریخ و اصول تمدن های خاور زمین گذرانده است.

یادداشت های نو نوشته های او در ۹ کتاب جمع آوری شده و آن قسمتی که مربوط بایران است اگر چه آمیخته به تعصب یک نفر یونانی است که کشور او سالها با ایران در جنگ و ستیز بوده، با این حال سودمند است و مطالب جالبی را جمع بتاریخ کهن ایران بیادگار گذاشته است.

برخی ها معتقدند که هرودوت ضمن مسافرت بکشورهای شرقی ببا بل هم مسافرت کرده و چون بابل در آن زمان از متصرفات ایران بوده، بنا بر این از کشور هخامنشی هم دیدن کرده است، ولی دلیل مثبت و قطعی در این مورد در دست نیست.

پروفسور علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خانه جدید بی جفت و بست!

یک مهندس معمار آلمانی، پروفسور پل کچ ظاهرآ با الهام گرفتن از تخته بندیهای مخصوص بازی اطفال طریقه جدیدی برای ساختمانهای مدرن پیشنهاد میکند که به تیر آهن و ساروج و شفته و کچ و آهک و پی و سایر تجهیزات احتیاجی ندارد. قطعات مختلف ساختمانی از بتون یا چوب یا تیشه طوری ساخته میشوند که سر و ته آنها در قطعات دیگر جفت میشود. قدرت این بندها بقدری است که میتوان بدون تیر آهن و غیره روی آنها سقف یا کف سازی کرد. این قطعات برای یک خانه معین در کارخانه ساخته میشود و برای سوار کردن آنها به مهندسین سر معمار هم احتیاج نیست، چون کارخانه مدل کوچک خانه را نیز تحویل خریدار میدهد و فقط بکمک یک داربست و چند کارگر خود شما میتوانید خانه چند طبقه خود را سوار کنید!





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پس از کزنفون، بیادیک مورخ مشهور دیگر میافتیم که سالیان دراز در دربار ایران میزیسته و او «کتزیاس» میباشد. کتزیاس نیز اهل یکی از مستعمرات در آسیای صغیر بوده، و چون از علم طب آشنائی کامل داشته بدربار هخامنشی آمد و مدت هفده سال طبیب مخصوص «پروشات» ملکه ایران همسر داریوش دوم، همچنین پزشک اردشیر دوم بوده است.

وی کتابهای متعددی درباره ایران در زمان پادشاهان ماد و سلسله هخامنشی تا سال ۳۹۸ قبل از میلاد نوشته که اکثر آنها از بین رفته و تنها مورخان بعدی - یادی از نوشته های او کرده و قسمتهائی از آنها را ذکر نموده اند.

یکی دیگر از مورخان مشهور یونانی که قسمتی از تاریخ ایران را نوشته «پلوتارک» است - پلوتارک از اهالی آتن و پروفلسفه افلاطون بود و مسافرت هائی بایتالیا و مصر کرد - وی در خلال سالهای ۵۰ تا ۱۲۰ میلادی میزیست - کتاب های او که تعداد آنها را ۲۱۰ جلد دانسته اند دو جنبه دارد - قسمتی تاریخی و قسمت دیگر فلسفی.

در کتابهای تاریخی او مطالب شایان توجهی از تاریخ ایران در زمان هخامنشی بخصوص اردشیر دوم و حوادث پس از آن و حمله اسکندر بایران وجود دارد.

از جمله مورخان یونانی که بایران آمد و در باره ایران نوشته مطالب جالبی نوشته «آمین مارسلن» است - وی در سال ۳۳۰ میلادی در آنجا که سوریه بدنیا آمد و هنگامیکه «یولیان» امپراطور روم بایران وارد جنگ شد، وی نیز از جمله مردان جنگی بود که جزو سپاه روم بایران جنگید و سپس

است. کزنفون در جنگ کوروش صغیر با اردشیر دوم هخامنشی و همچنین در عقب نشینی ده هزار نفری شرکت داشته، بنا بر این آنچه را که او در این مورد نوشته مشاهدات شخص خود او در ایران بوده است.

و مهم دارد که یکی درباره سفر جنگی کوروش صغیر، دیگری راجع به عقب نشینی ده هزار نفری در زمان اردشیر دوم هخامنشی، سومی کوروش نامه اوست که بوضع شایان تحسینی از کوروش بزرگ و اعمال و رفتار او تمجید و ستایش کرده

پس از هرودوت، نام «کزنفون» مورخ دیگر یونانی که از ۴۳۰ تا ۳۵۲ قبل از میلاد میزیست توجه ما را جلب میکند کزنفون شاگرد سقراط حکیم بود. وی راجع بایران سه کتاب جالب





این ماجراها را بصورت تاریخ در آورد. در اینجا نباید نام «استرابون» جغرافیدان معروف دنیای قدیم را که اهل آسیای صغیر بود فراموش کرد. وی از ۴۰ سال قبل از میلاد تا ۴۰ سال بعد از میلاد یعنی مدت ۸۰ سال زندگی نمود. استرابون ضمن کتابهای بسیاری که درباره جغرافیای عالم نوشته، از ایران نیز سخن به میان آورده و مطالب جالبی در باره کشور ما ذکر کرده که هم از نظر تاریخی و هم از لحاظ جغرافیائی حائز اهمیت است.

علاوه بر مورخان و دانشمندان یونانی و رومی که نام آنها برده شد، در دوران ساسانی و پس از آن در صدر اسلام بسیاری از نویسندگان و مورخان که از ملیت‌های گوناگون بودند، یا به ایران آمده و یا با مطالعه مدارک و اسناد و تحقیقات از دیگران مطالب زیادی در باره ایران نوشته‌اند که ذکر یکایک آنها موجب تطویل کلام میشود.

در دوره اسلامی علاوه بر نویسندگان و دانشمندان و مورخان ایرانی، جمعی از جهانگردان و محققین خارجی نیز بایران آمده و مشاهدات خود را بصورت یادداشت‌های پرارزشی در اختیار مردم کشورهای خود و سایر ملل گذاشتند. از جمله «ابن الندیم» صاحب کتاب «الفهرست» و «ابن حوقل» صاحب کتاب «المسالك والممالك» و «ابن اثیر» مؤلف «کامل التواریخ» و «یاقوت حموی» نویسنده کتاب «معجم البلدان» که در اوایل قرن هفتم بخراسان و خوارزم مسافرت کرد و مدت‌ها در مرو میزیست و «ابن خلدون» اهل تونس که در ۷۳۲ هجری تولد یافت و صاحب تألیفات متعدد از جمله مقدمه ابن خلدون و تاریخ عمومی است که اطلاعات جالبی درباره دوره ساسانی دارد و «ابن بطوطه» اهل طنجه که از سال ۷۲۵ هجری شروع بجهانگردی کرد و ضمن مسافرت بچین و تاتارستان بایران آمد و بعد کارنامه سالها جهانگردی خود را بصورت کتابی بنام «تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار» منتشر کرد.

در خلال این احوال بسیاری از نویسندگان و دانشمندان دیگر نیز راجع بتاریخ ایران و دانشمندان و بزرگان این کشور مطالبی نوشته‌اند که ذکر اسامی همه آنها کار آسانی نیست. در اینجا بی‌مناسبت نیست که از مسافرت «مار کوپولو» جهانگرد معروف



جلوه گاه شکوه و عظمت يك تمدن کهنسال..

همچنین خاور شناسانی مانند «توماس هاید» در قرن هفدهم و «جونز» در قرن هجدهم، تحت تاثیر همین تمدن عمیق و کهن قسمتی از مهمترین سالیهای زندگی خود را وقت تحقیق و مطالعه درباره تمدن و فرهنگ ایران کهن نمودند. بموازات این شوقی دانشمندان انگلیسی، در فرانسه نیز گروهی از دانشمندان این کشور، بی سرچشمه فیاض ادب و کنجینه فرهنگ ایران بردند، و بخوشه چینی از آن برداشتند.

چنانکه در سال ۱۵۹۰ «بارنابه بریسون» اثر فراموش نشدنی خود را در باره ایران قدیم در پاریس نگاشت و



و دنباله آن تا سالیهای اخیر همچنان ادامه دارد.

این محققین گاه در لباس بازرگان، گاهانی در جامه کشیشان، و بعضی اوقات بصورت فرستادگان سیاسی و سفرای خارجی، بکشور ما آمدند و به مطالعه در اوضاع و احوال این کشور پرداختند. در این میان خاورشناسان فرانسوی و انگلیسی از محققین سایر کشورها گوی سبقت را بردند و بیشتر از دیگران تحت تاثیر تمدن ایرانی قرار گرفتند. چنانکه در دوران سلطنت شاه عباس مسافرت برادران شرلی بایران و نفوذ آنها در دربار شاه عباس، همان اندازه که برای درباریان ایران جالب بود مشاهده تمدن ایرانی و فرهنگ عمیق و ریشه دار این کشور، آن‌دورا نیز بوضع عجیبی مسحور و مجذوب ساخت بطوریکه هیچگاه نتوانستند خود را از تاثیر آن برکنار دارند.

که طولانی‌ترین راه از غرب بیجان شرق پیمود و بدر بار چون رفت و با حوادث جالب و مهمی روبرو گردید یاد کنیم. مار کوپولو ضمن این سفر طولانی خود بایران نیز که در سر راهش بود مسافرت کرد و مطالب جالبی درباره کشور ما نوشت. اما از آن پس، مطالعات و تحقیقاتی که از طرف دانشمندان و خاورشناسان درباره ایران صورت گرفت رنگ تازگی بخود گرفت. زیرا این تحقیقات یا بر اثر مسافرت محققین بایران یا مطالعه دقیق بر روی آثار مکشوفه انجام یافت و موجب گردید که بسیاری از مسائل مهم و مجهول تاریخی روشن شود و مخصوصاً بر آن قسمت از نوشته‌های غرض آلود مورخان یونانی و رومی که برخلاف حق و عدالت درباره ایران سخن رانده‌اند، خط بطلان کشیده شود. مسافرت جهان گردان و خاورشناسان و محققین عربی بایران، از قرن هفدهم میلادی شروع شد



در طول قرن‌ها، این مجسمه‌های خاموش برای صاحب نظران مبدع حیرت و حاکت بوده است

داستانهای جالب و شیرینی با استفاده از حکایات کلیله و دمنه منتشر کرد، که دانش آموزان ما اکنون در مدارس این حکایات را که ظاهراً فرانسوی، ولی ریشه آن ایرانی و اقتباس از کلیله و دمنه خود ما است مطالعه میکنند.

در همان حال که نویسندگان و دانشمندان اروپائی بمطالعه آثار ادبی ایران اشتغال داشتند مسافران و جهانگردان اروپائی نیز با مسافرت بایران و نوشتن سفرنامه‌های جالبی درباره این کشور، قدم دیگری در راه شناساندن بیشتر ایران بکشورهای باختری برداشتند.

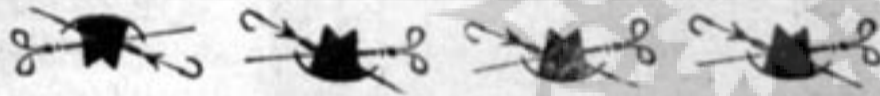
در میان آثار این دسته، سفرنامه و یادداشت‌های «شاردن» و «تاورنیه» و «تئونو» حائز اهمیت فراوانی میباشد. همچنین سفرنامه‌های مبلغین مذهبی مانند «پاسیفیک دو پروون» و «کابریل دوشینون» و «سانسون» و نیز کتاب جالب «تسا بلوی ایران» اثر «رافائل دو ماس» را نباید نادیده انگاشت.

در قرن هجدهم، مطالعات دانشمندان و خاورشناسان اروپائی درباره ایران همچنان رو باز دیاد نهاد - از جمله «آبه فوشه» سالها درباره ایران باستان

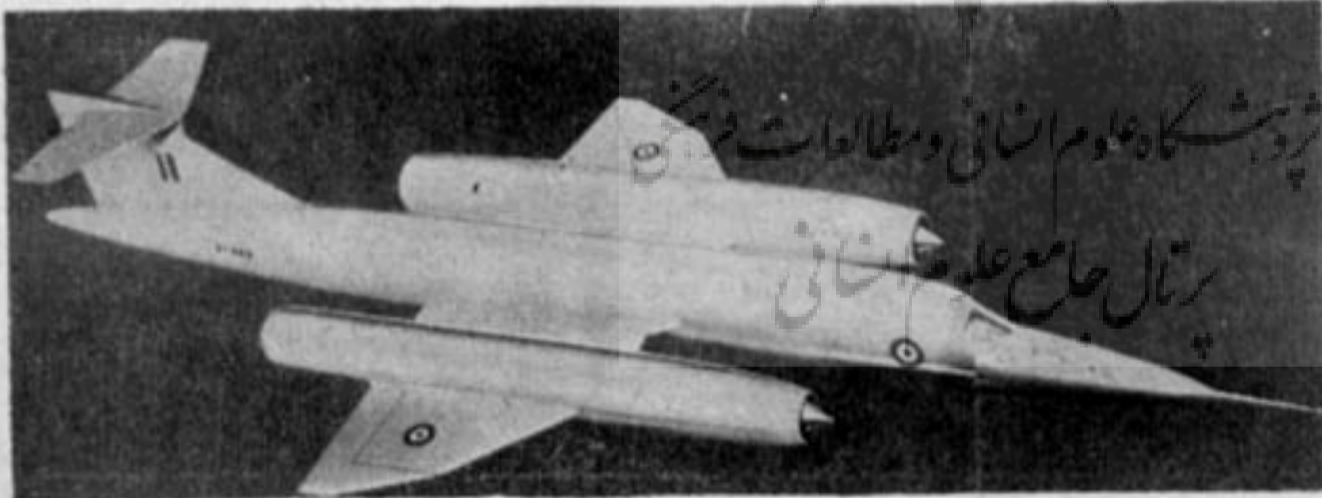
مطالعات عمیق و دامنه‌داری کرد. همچنین در سال ۱۷۷۱ «آنکتیل دو پروون» کتاب اوستارتر ترجمه نمود و منتشر ساخت. ترجمه کتاب مذهبی ایران باستان چنان مورد توجه سایر خاورشناسان قرار گرفت که در سال ۱۸۳۰ «بورنوف» دنباله کار «آنکتیل دو پروون» را گرفت و بحثهای مفصل و طولانی درباره اصول عقاید اوستائی کرد. در اواخر قرن هجدهم نیز «دارمستتر» ترجمه کامل و بسیار قابل ملاحظه‌ئی از کتب مذهبی ایران باستان منتشر ساخت.

یکی از موفقیت‌های بزرگی که در این هنگام نصیب یکی از مستشرقین فرانسوی گردید، مطالعات «سیلوستر دوساس» درباره تمدن ساسانی بود. وی در سال ۱۷۹۳ توانست رمز کتیبه‌های زمان ساسانی را فاش کند و این کتیبه‌ها را ترجمه نماید - ۴۳ سال بعد یعنی در سال ۱۸۳۶ «بورنوف» توانست خطوط میخی را بخواند، و اصول الفبای این خطوط و طرز ترجمه آنها را تدوین نماید.

البته نباید فراموش کرد که قبل از او «کروتفند» آلمانی موفق شده بود ۱۳ حرف میخی را بشناسد، ولی بعد از او



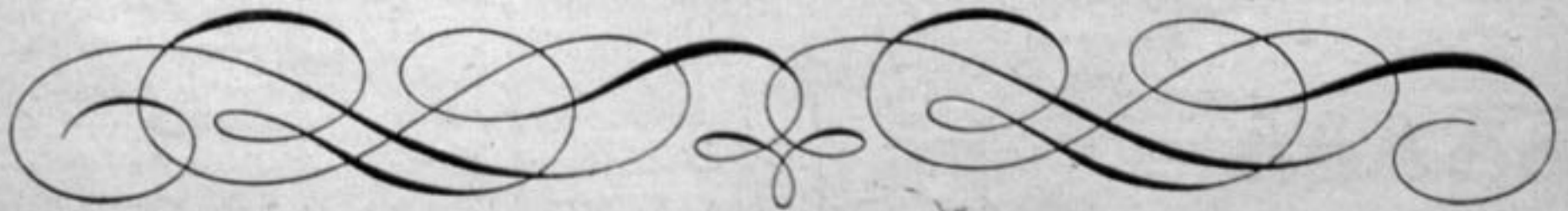
پولاد آبدیده



این هواپیمای جدید انگلوسی بنام (بريستول) که طول آن ۲۴ متر است از فولاد جدیدی ساخته شده که حتی با سرعت ۳۶۰۰ کیلومتر در ساعت بدنه آن در مقابل حرارت موجوده بر اثر اصطکاک با هوا استقامت مینماید. در ماه آینده پروازهای آزمایشی با این هواپیما آغاز خواهد شد (نکته قابل توجه آنست که در صنعت هواپیماسازی، کشور انگلستان از شوروی و آمریکا جلوتر است)

آنرا بچاپ رساند، و در سال ۱۶۴۷ «دوریه» ترجمه گلستان سعدی را بعنوان يك شاهکار بزرگ ادبی جهان منتشر ساخت.

البته قبل از «دوریه» يك دانشمند دیگر آلمانی بنام «گنتیوس» آنچنان شیفته گلستان سعدی شده بود، که بیست سال قبل از دانشمند فرانسوی بترجمه لاتین گلستان پرداخت. در خلال این احوال در سال ۱۶۲۱ يك سیاح معروف ایتالیائی بنام «پیترو دلاواله» از تخت جمشید و ویرانه‌های تاریخی ایران بازدید کرده و یادداشت‌های گرانبهای تهیه نموده است. مقارن همین احوال یعنی در سال ۱۶۴۴ يك دانشمند فرانسوی دیگر بنام «کلمن» از میان گلزار ادب ایران، قسمتی از کتاب کلیله و دمنه را ترجمه و منتشر ساخت، و همین ترجمه بود که مورد استفاده «لافونتین» نویسنده نامدار فرانسه قرار گرفت، و



خاورشناسان فرانسوی توانستند در مسز سایر حروف میخی را فاش کنند و پرده از روی آنها بردارند. در اینجا آثار گرانپها و زحمات «فردیناند بیوستی» و همچنین «اشپیکل» را درباره ایران باستان نباید فراموش کرد.

در این هنگام یکی از کارهای بسیار گرانپها و پر ارزش که بوسیله يك دانشمند دیگر فرانسوی صورت گرفت، ترجمه حمله علمی شاهنامه فردوسی بود. این دانشمند خاورشناس که «مول» نام داشت مدت چهل سال در این راه رنج کشید تا توانست اثر جاوید و فناناپذیر شاه ملی ایران شاهنامه فردوسی را بزبان فرانسه ترجمه کند و مطالب مبسوطی پیرامون آن بنویسد. از روی انصاف و عدالت، زحماتی که دانشمندان فرانسوی در این راه کشیدند بیش از محققین و مستشرقین سایر کشورها بود. چه در همان هنگام که دانشمندان فرانسوی، سرگرم مطالعه کتب علمی و ادبی و فلسفی و شعرو عرفان ایران بودند، باستان شناسان آنکشور نیز، در ویرانه های تاریخی، میکوشیدند تا از دل خاک، اسرار فرورز و عصور گذشته را بیرون آورند.

زحمات «دیولافوا» و بعد «دورگان» و میسیون علمی آنها که سالها در این راه تلاش و کوشش کردند، شایسته هر گونه تمجید و ستایش است. بدیهیست که ضمن عملیات اکتشافی که بوسیله این هیئت های باستان شناس صورت می گرفت، یادداشت های گرانپهای نیز از مشاهدات و مطالعات علمی آنان تهیه میشد که پرده از روی بسیاری از رازهای تاریخی بر میداشت، و قسمتهای جالبی از تاریخ دهها قرن پیش را که در کتاب دیگرانری از آن دیده نمیشد، فاش میکرد.

سفرنامه های «فلاندن» و «کوست» نیز درباره ایشیه تاریخی ایران و مطالعات عددهائی دیگر از دانشمندان راجع به هنرهای ملی، نقاشی، معماری، کوزه گری و سکه های ایران باستان از هر جهت شایان توجه است.

کتاب پر ارزش و گرانپهای «تومسون اکتیک» که از طرف بریتیش میوزیوم بمطالعه آثار تاریخی ایران صفحه ۴۱



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامی است که عقل آفرین میزندش...

رساله جامع علوم انسانی

و فرهنگ ایران کهن و مطالعات عمیق و کشفیات پرفسور «کامرون» در خصوص آثار مکتشفه دوران ماقبل تاریخ و تمدن آریائی و همچنین آثار زمان پادشاهان ماد و شاهنشاهان هخامنشی و نیز مطالعات «کت» درباره کتیبه های ایران باستان و تالیف کتاب «الدیرسون» که در سال ۱۹۵۰ منتشر گردید، و کتاب «کوروش» هارولد لیب که اخیراً پایان رسیده در شمار مهمترین و پر ارزش ترین اقداماتی است که تا کنون دانشمندان و محققین جهان درباره ایران کرده اند. ●●

مستشرقین با خطوط طلائی ثبت خواهد شد. در اینجا سهم دانشمندان و مورخان و خاورشناسان آمریکائی را نیز در کشف بسیاری از مسائل مهم و پیچیده ایران باستان، و مطالعه کتیبه های سنگی و گلی و حفاریات گرانپهای که در قسمتهای مختلف ایران کرده اند نباید فراموش کرد. نوشته ها و آثار «رالنسن» درباره تاریخ ایران باستانی و مطالعات بسیار گرانپهای پرفسور «رپ» راجع به تمدن

پرداخت و اثر خود را در سال ۱۹۰۷ بیاب رساند فراموش شدنی نیست. علاوه بر اینها زحمات و کوششهای خاورشناسان و مورخان بزرگی مانند پرفسور هانری ماسه، پرفسور ادوارد براون، سرپرستی سایکس، نلدکه، کریستن سن، دکتر کیرشمن، دکتراته، رنه گروسه، آندره گدار، هانری شارل پوش را که سالیان دراز درباره ایران و تمدن ایرانی زحمت کشیده و مطالعات عمیقی درباره کشورها و سوابق تاریخی آن کرده اند، در تاریخ محققین و محققین و

